

شاخص‌های وظیفه‌گرایی اخلاقی در مکتب اخلاقی امیرمومنان^(ع) از دیدگاه نهج‌البلاغه

چکیده

نهج‌البلاغه و معارف بلند آن، ساحتی اخلاقی و تربیتی دارد و تمام گفتار امام علی^(ع) در صحنه‌های مختلف، بر محوریت اخلاق و تعقل استوار است. امام^(ع) در تمام عرصه‌های زندگی، همواره به انجام تکلیف و اجرای حق و عدالت توجه داشتند و هیچ‌گاه برای رسیدن به اهداف متعالی، از ابزارها و روش‌های غیردینی و غیراخلاقی استفاده نکردند. مکتب وظیفه‌گرایی اخلاقی از جمله نظریات اخلاق هنجاری است که به ویژگی‌های خاصی از خود عمل و انجام تکلیف، بدون توجه به نتایج آن، اهمیت می‌دهد. در بررسی متن نهج‌البلاغه، گزاره‌های متعددی دال بر وظیفه‌گرایی اخلاق در مکتب اخلاقی امام علی^(ع) به دست می‌آید. در این اثر، برخی شاخص‌ها برای شناخت وظیفه مطرح شده است که عبارتند از: توجه به قاعده‌ی زرین، پاسداشت پایبندی به اصل کیفیت استخدام وسیله، وجود قواعد مطلق اخلاقی (شامل صداقت، وفای به عهد، امانت‌داری)، اصل عدالت و اصل حق‌طلبی. در این مقاله با روش «داده بنیاد»، عوامل مذکور در کلام امام^(ع) از دیدگاه نهج‌البلاغه بررسی و تحلیل شده است.

فاطمه سعیدی

دکتری علوم و معارف نهج‌البلاغه
دانشگاه پیام نور.
نویسنده‌ی مسئول

سید علی علم‌الهدی

دانشیار گروه فلسفه اسلامی
دانشگاه پیام نور.

محسن قاسم‌پور

دانشیار دانشگاه کاشان.

واژگان کلیدی:

وظیفه‌گرایی اخلاقی، اخلاق علوی،
اخلاق هنجاری، نهج‌البلاغه.

۱. بیان مسئله

در طول تاریخ، مکاتب و دیدگاه‌های متنوعی از سوی اندیشمندان و فیلسوفان شرق و غرب در حوزه فلسفه اخلاق پدید آمده است و بسیاری از فیلسوفان، از روزگار یونان باستان تا عصر حاضر، همواره کوشیده‌اند تا متناسب با مبانی فکری و فلسفی خود، دیدگاه اخلاقی خاصی را ارائه دهند. اخلاق هنجاری رویکردی در اخلاق است که پایه‌ای‌ترین احکام اخلاقی درباره‌ی درست و نادرست یا خوب و بد را شناسایی و تبیین می‌کند (هولمز، ۱۳۸۵، ص ۳۹ و ۴۱-۴۲) تا از این طریق، فرد بداند چه کاری برای او، از لحاظ اخلاقی، درست است و به هنگام تعارضات اخلاقی، چگونه باید عمل کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۲۴). مکتب اخلاقی وظیفه‌گرایانه یکی از مکاتب اخلاق هنجاری است که معیار تعیین خوب و بد اخلاقی را عمل به وظیفه معرفی می‌کند.

از آنجا که یکی از معضلات امروز جوامع اسلامی، فقدان یا ضعف اخلاق متناسب با آموزه‌های قرآنی، نبوی و علوی است و از طرفی، آموزه‌ها و رفتارشناسی اخلاق علوی، جلوه‌ی تام آموزه‌های قرآنی و نبوی است؛ بنابراین، رجوع به متن نهج‌البلاغه، استخراج، سازمان‌دهی و تحلیل گزاره‌هایی که بر اخلاق علوی دلالت دارند، می‌تواند ترجمانی اساسی و مصداقی حقیقی از آموزه‌های قرآنی را ارائه دهد که بیانگر مدرسه‌ی اخلاقی نبوی باشد.

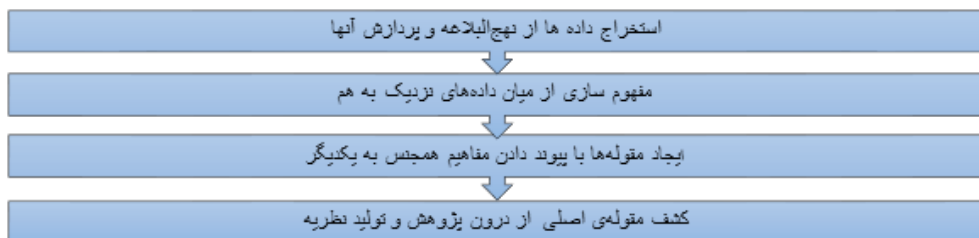
یکی از مبانی اساسی اخلاق در دیدگاه امام علی^(ع)، نگاه مسئولانه به وظایف است. در نگاه امام^(ع) حیطه‌ی وظیفه‌شناسی، حیطه‌ی گسترده‌ای است که دامنه‌ی پاسداری اخلاق را به سرزمین‌ها، جانداران، شهرها و چارپایان می‌کشد و حرمت و کرامت آدمیان را در قله‌ی این دامنه می‌نشانند (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۷-۱۲۰). امام علی^(ع) در بیان حیطه‌ی وظیفه‌شناسی می‌فرماید: [خدا] حرمت مسلمان را از دیگر حرمت‌ها برتر نهاده و حقوق مسلمان را با اخلاص و یگانه‌پرستی پیوند داده ... خدا را واپایید در حق شهرهای او و بندگان، که شما مسئولید، حتی از سرزمین‌ها و چهارپایان (خطبه‌ی ۱۶۷).

از این رو، آنچه امروزه در حوزه اخلاق از دیدگاه نهج‌البلاغه، ضرورتش احساس می‌شود، دستیابی به شاخص‌های وظیفه و تکلیف از دیدگاه امام علی^(ع) است تا پس از بررسی و شناخت این شاخص‌ها، به معیارها و ضوابط اخلاقی بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه برای تربیت صحیح انسان‌ها دست یافت.

۱-۱. روش پژوهش

روش این پژوهش، طبقه‌بندی و تحلیل اطلاعات به صورت «داده بنیاد» است. این روش نخستین بار از سوی گلاسر و استراوس، با رویکرد مفهوم‌سازی تئوری بنیادی، به جامعه‌ی علمی معرفی شده است. در این روش، به مطالعه‌ی استقرائی از یک پدیده پرداخته می‌شود و در آن، پژوهشگر با مطالعه‌ی یک پدیده، اجازه می‌دهد در گذر گردآوری و تحلیل داده‌ها، تئوری حاکم بر رفتار آن پدیده آشکار شود. بدین صورت که در ابتدا، پرسش پژوهش مطرح می‌شود و سپس برای پاسخ به این پرسش، داده‌های اطلاعاتی گردآوری و تحلیل می‌گردد و داده‌های به‌دست آمده در قالب

جداولی، سیر تکاملی خود را طی می‌کنند؛ بنابراین، در روش داده بنیاد، ابتدا نکات کلیدی داده‌ها، احصا و برای هر نکته یک «کد» معین می‌شود و سپس با مقایسه کدها، چند کد را که به جنبه‌ی مشترک پدیده‌ی موردبررسی اشاره دارند، عنوان یک «مفهوم» به خود می‌گیرند و سپس، چند مفهوم، [در قالب] یک مقوله و چند مقوله در قالب یک تئوری متجلی می‌گردد (دانایی‌فرد، ۱۳۸۴، ص ۵۸-۵۹).



نمودار ۱. گام‌های اصلی پژوهش در فرآیند خلق شاخص‌های وظیفه‌گرایی با روش داده بنیاد.

۲-۱. پیشینه‌ی پژوهش

در طول تاریخ، مکاتب و دیدگاه‌های متعددی از سوی اندیشمندان و فیلسوفان شرق و غرب در حوزه‌ی اخلاق و فلسفه اخلاق پدید آمده است^۱ که یکی از این دیدگاه‌ها، مکتب وظیفه‌گرایی است. اصطلاح «Deontology» به معنای وظیفه‌شناسی یا علم به وظایف اخلاقی (جیکوبز، ۱۳۹۶، ص ۶۵)، رویکردی در اخلاق است که بر درستی و نادرستی ذاتی اعمال، به جای خوبی و بدی نتایج آنها توجه دارد. در این دیدگاه، عمل یا قاعده‌ی یک عمل می‌تواند درست یا الزامی باشد، حتی اگر بیشترین غلبه‌ی خیر بر شر را برای خود شخص، جامعه و جهان به وجود نیاورد. در این دیدگاه، به وجوه خاصی از خود عمل، توجه می‌شود؛ مثلاً این واقعیت که وفای به عهد، عادلانه یا متعلق امر خدا یا دولت است (فرانکنا، ۱۳۹۲، ص ۴۶-۴۷) و وظایف در هنگام تضاد با مثلاً نتایج یا خصوصیات فاعل، اهمیت بنیادین دارد (جیکوبز، ۱۳۹۶، ص ۶۵) و معمولاً این نظریات، در مقابل آراء غایت‌گرایانه^۲ اخلاقی مطرح می‌شود. مکتب وظیفه‌گرایی اخلاقی، تقریرهای متعددی دارد.

۱-۱-۲. نظریه‌ی کانت

کانت، در کتاب مابعدالطبیعه خود می‌گوید: «هیچ چیز در جهان و حتی بیرون از جهان نمی‌تواند بی‌قیدوشرط، خوب دانسته شود مگر نیت یا اراده‌ی خوب» (کانت، ۱۳۶۹، ص ۱۲). به‌زعم کانت، اراده‌ی خیر، یگانه چیزی است که به شکلی نامشروط و فی‌نفسه خیر است و خیر بودن

۱- برای آگاهی از این مکاتب، به کتاب، مبانی فلسفه اخلاق، نوشته‌ی رابرت ال. هولمز، صص ۷۷-۲۳۵ رجوع شود.

۲- بر اساس این دیدگاه، آن کاری را باید انجام داد که بیشترین پیامدهای خوب را به بار می‌آورد. این مسئله که چه نوع کاری انجام دهیم، فی‌نفسه اهمیت ندارد (کنسلر، ۱۳۸۷، ص ۲۵۲).

آن در گرو این نیست که در راه نیل به اغراض خویش به سرمنزل توفیق برسد (هولمز، ۱۳۸۵، ص ۲۳۵) و فقط آن اعمالی که برای ادای تکلیف انجام می‌گیرد، ارزش اخلاقی دارد (فروغی، ۱۳۷۵، ص ۳۵۱). او معتقد است که ارزش اخلاقی کارهای اختیاری انسان، محصول و معلول نتایج آنها نیست، بلکه معلول قاعده‌ای است که عامل آن اتخاذ کرده است و این قاعده برای اینکه به اعمال او ارزش اخلاقی ببخشد، باید ناشی از اطاعت از قانون و احترام به قانون باشد (کاپلستون، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۳۲۶). او این قاعده را در اخلاق تحت عنوان امر مطلق (قاعده زرین) بیان می‌کند و تقریرهای مختلفی از آن ارائه می‌دهد: «تنها بر پایه‌ی آن آئینی رفتار کن که درعین حال، بخواهی که قانونی عام باشد»؛ و در سخن دیگری بیان می‌کند: «چنان عمل کن که گویی بناست، آئین رفتار تو، به اراده‌ی تو، یکی از قوانین عام طبیعت شود» و گاهی نیز بیان می‌کند: «چنان رفتار کن تا بشریت را چه در شخص خود و چه در شخص دیگری، همیشه به‌عنوان یک غایت بشمار آری و نه هرگز همچون وسیله» (کانت، ۱۳۶۹، ص ۶۰-۶۱ و ۷۴). ازاین‌رو، اخلاق کانت، معطوف به کلیت است و همین کلیت، صفت خاص امر عقلانی است (ژکس، ۱۳۶۲، ص ۱۰۴). درنتیجه، قاعده‌ی تعمیم‌پذیری (قاعده زرین)، معیار کانت در تعیین خوب و بد در اخلاقیات است.

۲-۱-۲. نظریه امر الهی

این نظریه که به حسن و قبح الهی نیز شناخته‌شده، ازجمله نظریات وظیفه‌گرا است که سابقه‌ای دیرینه دارد و از زمان سقراط تاکنون، مورد بحث و جدال بوده است. چنانکه در مناظره‌ای، سقراط از اوثوفرون می‌پرسد: «آیا چون خداوند به چیزی امر کرده است، آن چیز صواب است یا چون آن چیز صواب است، خداوند به آن فرمان داده است؟» (افلاطون، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۸). این دیدگاه، بر این امر تکیه دارد که اخلاق از جهتی وابسته به اراده‌ی الهی است و این وابستگی، بر مبنای اوامری از جانب خداوند است که بیانگر اراده اوست (ادواردز، ۱۳۹۲، ص ۳۷۱). طرفداران نظریه امر الهی، تعیین خوبی و بدی افعال و صفات را تنها به خواست و اراده‌ی خداوند نسبت می‌دهند. به بیان دیگر، آنان مدعی‌اند که خوبی و بدی به دست شارع و خداوند است. بر طبق این نظریه، ذاتی بودن ارزش‌ها و خوبی و بدی‌های اخلاقی، مبتنی بر امرونهی خداوند است و کارهای آدمی، ذاتاً نه خوب و نه بد هستند؛ لذا هرچه را خداوند خوب بداند، خوب و هرچه را بد بداند، بد است و تنها از راه همان امرونهی خداوند است که می‌توان به شناخت خوب و بد و تعیین ارزش اخلاقی اعمال دست یافت و ازاین‌رو، شناخت خوبی و بدی امری عقلی نیست و تنها از طریق شرع و مراجعه به فرمان‌های خداوند، باید مصادیق خوبی و بدی را شناخت (سبحانی، ۱۴۲۰ق، ص ۶۱-۸۵). درنتیجه، در این دیدگاه اخلاق وظیفه‌گرا، امرونهی الهی، معیار تشخیص خوب و بد در اخلاقیات است.

۲-۱-۳. نظریه‌ی وظیفه‌گرای مرکب

این نظریه از سوی ویلیام فرانکنا مطرح شده است و شامل دو اصل بنیادی نیکوکاری و عدالت است. رویکرد فرانکنا، به‌منظور اثبات نظریه وظیفه‌گرای مرکب، رویکردی نقادانه نسبت به نظریه‌های مشهور وظیفه‌گرای و سودگرایی^۱ است. البته قرابت دیدگاه او با نظریه‌ی وظیفه‌گرای بیشتر از سودگرایی اخلاقی است. وی اصل نیکوکاری^۲ را پیش‌شرط لازم برای سودگرایی می‌داند و می‌گوید: تنها زمانی نسبت به بالا بردن غلبه خوبی بر بدی، الزامی در نگاه نخست داریم که در آن الزام، متقدمی نسبت به نیکی کردن و آزار نرساندن داشته باشیم.

او اصل نیکوکاری را زاییده‌ی اصل عدالت می‌داند و بیان می‌کند: اصل نیکوکاری را می‌توان از اصل عدالت اخذ کرد؛ زیرا در جایی که توانایی داشته باشیم که خیرات دیگران را افزایش دهیم و از شرور آنان بکاهیم و هیچ‌گونه تعارض وظایفی هم در کار نباشد، انجام ندادن این کار، بی‌عدالتی است. فرانکنا منظور خود را از عدالت، برابری انسان‌ها می‌داند؛ بدین معنا که باید در نگاه نخستین، زمانی که همه‌ی افراد به حداقل مشخصی دست‌یافته باشند، برای بهبود زندگی آنان همکاری نسبی یکسانی داشته باشیم. این همان معنای مقصود از شأن و حرمت یا ارزش اخلاقی یکسان افراد است (فرانکنا، ۱۳۹۲، ص ۱۰۸ و ۱۱۹). در نتیجه، در نظریه‌ی وظیفه‌گرای مرکب، اصل عدالت، مبنای تعیین خوب و بد در اخلاقیات معرفی شده است.

علاوه بر سه نظریه‌ی مذکور، تاکنون مقالات متعددی در موضوع وظیفه‌گرای و مسائل پیرامون آن در نگاه دینی تألیف شده است؛ به‌طور نمونه می‌توان به چاپ مقالات «حق محوری، تجدد و تکلیف مداری سنت» نوشته‌ی حسین کچوییان؛ «مؤلفه‌های نظام حق و تکلیف در نهج‌البلاغه» نوشته‌ی سید حسین سیدی؛ «بررسی دیدگاه‌های ایمانوئل کانت در موضوع اخلاق و آموزه‌های اخلاق‌مدارانه امام محمدباقر^(ع)» نوشته‌ی سید هادی طباطبایی و عبدالله نصری؛ «تکالیف انسان نسبت به دیگران در نگرش کانت و سنت اسلامی» نوشته‌ی ندا محجل اشاره کرد. با بررسی محتوای مقالات آشکار می‌شود که در موضوع شاخص‌های وظیفه‌گرای به‌صورت خاص در نهج‌البلاغه، پژوهشی انجام نشده است و این امر، وجه تمایز این مقاله با دیگر پژوهش‌ها است.

۲. واژه‌شناسی وظیفه

واژه‌ی وظیفه، از ریشه‌ی وظف به معنای الزام (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۱۴۵)، وجه گذران، وجه معاش، مقری، مستمری (معین، ۱۳۸۲، ۱۱۷۳ ص) و آنچه فرد را برای تهیه روزی ملزم می‌سازد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۵۸) آمده است. همچنین این واژه برای آنچه اجرای آن شرعاً یا عرفاً در عهده‌ی کسی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۲۳۲۱۱) به کار گرفته می‌شود.

۱- سودگرایی، نظریه‌ی مشهور درباره‌ی اصول بنیادین اخلاق است. این نظریه می‌گوید: رفتار انسانی باید منافع یا رفاه افرادی را فراهم کند که تحت تأثیر آن رفتار هستند (لارنس، ۱۳۸۰، ص ۳۱).

۲- این اصل بر آن است که باید کار نیک انجام داد و از زیان‌رسانی اجتناب یا جلوگیری کرد (فرانکنا، ۱۳۹۲، ص ۱۱۰).

در نهج البلاغه، در سه جا مشتقات این واژه، در معانی، معین و مقدر شده^۱ و حقوق موظف و معین شده^۲، آمده است (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۱۴۵). در این مقاله، معنای مختار عبارت است از اینکه وظیفه، امری عقلانی است که در برابر حق، معین شده و ادا می‌شود و معنای الزامی که در این واژه نهفته شده است به معنای اجبار نیست، بلکه ضرورتی عقلانی است.

۳. بررسی و تحلیل شاخص‌های وظیفه‌گرایی اخلاقی در مکتب اخلاقی امام علی^(ع)

در مکتب اخلاقی امام علی^(ع) شاخص‌های متعددی برای شناخت وظیفه در نهج البلاغه مطرح شده است که در این بخش از مقاله با روش داده بنیاد، این شاخص‌ها، کشف و بیان شده است.

۳-۱. استخراج مفاهیم وظیفه‌گرایی اخلاقی از گزاره‌های نهج البلاغه

این مرحله، نوعی از تحلیل محتواست که در پی یافتن و مفهوم‌سازی موضوع شاخص‌های وظیفه‌گرایی در میان انبوه داده‌ها در گزاره‌های نهج البلاغه است که در قالب یک جدول^۳ نمود پیدا کرده است و «مفاهیم» که عبارت از واحدهای پایه‌ای یا خرد تحلیل هستند (دانایی‌فر و امامی، ۱۳۸۶، ص ۸۱)، از متن نهج البلاغه جمع‌آوری شده‌اند.

نکته‌ی مهم درباره‌ی گزاره‌های استخراج‌شده آن است که این گزاره‌ها از سوی معصومین^(ع)، لزوماً در ارتباط با نظریه‌های وظیفه‌گرایی بیان نگردیده است و هر کدام در یک موقعیت ویژه و در ارتباط با موضوع خاصی است؛ اما می‌توان با استفاده از مطالعه‌ی نظریات وظیفه‌گرا و آگاهی‌هایی^۴ که برای ورود به متن نهج البلاغه لازم است، از مفهوم آنها برای موضوع پژوهش بهره گرفت.

۱- وَ أَنْذَرَكُمْ بِالْحُجُجِ الْبَوَالِغِ فَأَخْصَاكُمْ عَدَاً وَ وَطَّفَ لَكُمْ مُدَدَاً (خطبه‌ی ۸۳).

۲- أَخْمَدُهُ شُكْرًا لِإِنْعَامِهِ وَ اسْتَعِينَهُ عَلَى وَطَائِفِ حُقُوقِهِ (خطبه‌ی ۱۹۰). وَ اخْرُجُوا إِلَى اللَّهِ بِمَا افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَقِّهِ وَ بَيْنَ لَكُمْ مِنْ وَطَائِفِهِ (خطبه‌ی ۱۷۶).

۳- در جداول، ابتدا خطبه‌ها، سپس نامه‌ها و حکمت‌ها آمده است و کدگذاری به صورت انتخابی و باز است و حروف PA، برای خطبه‌ها، PB، برای نامه‌ها و PC، برای حکمت‌ها انتخاب شده است.

۴- این آگاهی‌ها در متن نهج البلاغه عبارت از ۱. شناخت منابع و اسناد و سابقه متن؛ ۲. شناخت جغرافیای سخن؛ ۳. شناخت سبب صدور یا ورود متن مورد نظر؛ ۴. شناخت تاریخ ایراد کلام؛ ۵. مخاطب‌شناسی؛ ۶. موضوع‌شناسی؛ ۷. هدف‌شناسی است. البته درباره‌ی هر متن از نهج البلاغه، ممکن است آگاهی لازم در تمام موارد فوق به دست نیاید (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۱، ص ۲).

ردیف	گزاره	کد	مفهوم
۱	من تا زنده‌ام به یاری جوینده حقّ، روی گردان از آن را می‌زنم و با فرمان‌بر یکدل، نافرمان بد دل را (کلام ۶).	PA22	یاری و احیای حق.
۲	به خدا! اگر بینم که (بیت‌المال) به مهر زنان یا بهای کنیزکان رفته باشد، آن را بازمی‌گردانم که در عدالت گشایش است و آنکه عدالت را برنتابد، ستم را سخت‌تر یابد. (کلام ۱۵).	PA10	جدیت برخورد در تقسیم ناعادلانه‌ی بیت‌المال.
۳	به خدا سوگند! ... و دروغی بر زبان نراندم (کلام ۱۶).	PA13	پرهیز از رذیله‌ی اخلاقی دروغ در امور مدیریت.
۴	آنچه می‌گویم در عهده خویش می‌دانم و خود، آن را پایندادم (کلام ۱۶).	PA	پایندی حاکم به صداقت در مدیریت.
۵	و اگر سر باز زندی، تیغ تیز در کار است که درمان نابکار است و حق را یار است (خطبه‌ی ۲۲).	PA15	جدیت در اجرای حق.
۶	شگفتا! از من می‌خواهند به میدان کارزار آیم و در نبرد پایداری کنم. مادر بر آنان بگرید. تاکنون کس مرا از جنگ نهراسانده و از شمشیر نترسانده؛ که من به خدای خود یقین دارم و در دین خویش شبهتی نیارم (خطبه‌ی ۲۲).	PA11	جهاد در راه حق.
۷	از خدا بترسید چنانکه سزا باشد، نه ترسی که عذر خواه گناهان شما باشد. برای خدا کار کنید نه برای نشان دادن به دیگران و یا شنودن این و آن، که هرکس برای جز خدا کاری کند، خدا او را به وی وامی‌گذارد (خطبه‌ی ۲۳).	PA2	جلب رضایت حق تعالی.
۸	به جانم سوگند، در جنگ با کسی که در راه حقّ قدم نگذارد و در گمراهی گام بردارد، سستی نپذیرم و راه نفاق پیش نگیرم (خطبه‌ی ۲۴).	PA7	پایداری در مسیر حق.
۹	به خدا که من در آن صف پیکار بودم تا- سپاه جاهلیت- درماند و یک‌باره روی بگرداند. نه ناتوان بودم و نه ترسان، امروز هم من همانم و آنان همان. باطل را می‌شکافم تا حق از کنار آن به درآید، مرا چه با قریش- اگر با من به جنگ برآید- به خدا سوگند، آن روز که کافر بودند با آنان پیکار نمودم و اکنون که فریب خورده‌اند آماده کارزارم. من دیروز هم‌اورد آنان بودم و امروز هم پای پس نمی‌گذارم (خطبه‌ی ۳۳).	PA18	جهاد در راه حق.
۱۰	به خدا! این را از حکومت شما دوست‌تر دارم؛ مگر آنکه حقّی را بر پا سازم یا باطلی را براندازم (خطبه‌ی ۳۳).	PA23	ارزش ذاتی حق.
۱۱	خوار نزد من گران‌مقدار تا هنگامی‌که حقّ او را بدو برگردانم و نپرومند، خوار تا آنگاه‌که حقّ را بازستانم... (کلام ۳۷).	PA8	جدیت در اجرای حق.

ردیف	گزاره	کد	مفهوم
۱۲	مردم! همانا وفا، همزاد راستی است و هیچ سپری چون وفا، بازدارنده از گزند نیست (خطبه‌ی ۴۱).	PA43	بازدارندگی وفاداری از گزند و آسیب.
۱۳	پس استوار باشید و پیدار تا حقّ برای شما روشن گردد و پدیدار؛ که «شما برترید و خدا با شماست و از پاداش کردارتان نخواهد کاست» (کلام ۶۶).	PA16	پیداری در مسیر حق.
۱۴	فرزندان امیّه، میراث محمّد (ص) را اندک‌اندک به من می‌رسانند، چنانکه شتر بچه را اندک‌اندک شیر بنوشانند. به خدا! که اگر زنده مانم بیت‌المال را پراکنده گردانم، چنانکه قصاب پاره‌ی شکمبه خاک‌آلوده را به دور افکند (کلام ۷۷).	PA5	مبارزه‌ی جدی در تقسیم ناعادلانه بیت‌المال.
۱۵	همانا بدترین گفتار، سخن دروغ است (خطبه‌ی ۸۴).	PA17	پرهیز از رذیله‌ی اخلاقی دروغ.
۱۶	شگفتا از پسر نابغه! شامیان را گفته است من مردی لاغ گویم با لعب بسیار، عبث‌کارم و کوشا در این کار... وعده می‌دهد و خلاف آن می‌پوید. می‌خواهد و می‌ستهد. از او می‌خواهند و زفتی می‌کند. پیمان را به سر نمی‌برد و پیوند خویشان را می‌برد (خطبه‌ی ۸۴).	PA181	پرهیز از وفای به عهد در سیاست دشمن.
۱۷	از دروغ دوری گزینید که از ایمان به دور است و چراغ او بی‌نور. راست‌گو بر کنگره‌های رستگاری و بزرگواری است و دروغ‌گو کناره‌ی مغاک و خواری (خطبه‌ی ۸۶).	PA122	پرهیز از رذیله‌ی اخلاقی دروغ.
۱۸	به خدا سوگند! من در دنباله‌ی آن سپاه بودم تا یک‌باره پشت کرد و سر به حکم اسلام در آورد. نه سست شده‌ام نه ترسانم؛ نه خیانت کرده‌ام؛ نه ناتوانم. به خدا سوگند! درون باطل را چاک می‌زنم تا حق را از تهیگاه آن بیرون کنم (خطبه‌ی ۱۰۴).	PA184	جدیت در اجرای حق.
۱۹	همانا بر امام نیست جز آنچه از امر پروردگار به عهده او واگذار شده، کوتاهی نکردن در موعظت و کوشیدن در نصیحت و زنده کردن سنت و جاری ساختن حدود بر مستحقان و رساندن سهم‌های بیت‌المال- به درخور آن (خطبه‌ی ۱۰۵).	PA190	حقوق متقابل حاکم و مردم.
۲۰	پیشوای قوم باید با مردم خود به راستی سخن راند (خطبه‌ی ۱۰۸).	PA121	پابندی حاکم به صداقت در مدیریت.
۲۱	همانا فاضل‌ترین مردم نزد خدا کسی است که کار حق را از باطل دوست‌تر دارد، هرچند کار حق از قدر او بکاهد و او را بیازارد و باطل بدو سود رساند و رتبت او را بالاتر گرداند (کلام ۱۲۵).	PA187	ترجیح حق بر باطل.
۲۲	اگر مال از آن من بود، همگان را برابر می‌داشتم- که چنین تقسیم سزا است- تا چه رسد که مال، مال خدا است (کلام ۱۲۶).	PA167	عدالت در تقسیم بیت‌المال.

ردیف	گزاره	کد	مفهوم
۲۳	مرا فرمان می‌دهید تا پیروزی را بجویم به ستم کردن درباره‌ی آن که والی اویم. به خدا که نپذیرم تا جهان سر آید و ستاره‌ای در آسمان پی ستاره‌ای برآید (کلام ۱۲۶).	PA120	عدم استفاده از ستم برای پیروزی.
۲۴	جز حق مونس تو نباشد و جز باطل تو را نترساند! (کلام ۱۳۰).	PA176	یاری و احیای حق.
۲۵	خدایا! تو می‌دانی آنچه از ما رفت، نه به خاطر رغبت در قدرت بود و نه از دنیای ناچیز خواستن زیادت، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های دین را به جایی که بود، بنشانیم و اصلاح را در شهرهای ظاهر گردانیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات را اهنی فراهم آید و حدود ضایع مانده‌ات اجرا گردد (کلام ۱۳۱).	PA169	اجرای عدالت در مدیریت.
۲۶	به خدا سوگند! که داد ستم‌دیده را از آن که بر او ستم کرده است، بستانم و مهار ستمکار را بگیرم و به ناخواه او تا به آبخور حق کشانم (کلام ۱۳۶).	PA123	جدیت برخورد با ستمگر.
۲۷	ای مردم! به خدا! من شما را به طاعتی برمی‌انگیزم، جز که خود، پیش از شما، به گزاردن آن برمی‌خیزم و شما را از معصیتی باز نمی‌دارم، جز آنکه خود، پیش از شما، آن را فرو می‌گذارم (خطبه‌ی ۱۷۵).	PA178	انجام عمل قبل از توصیه به دیگران.
۲۸	اگر محنت آزمایش از ما و ایشان برداشته شود، آنان را به راهی برم که سراسر حق است و اگر کار رنگ دیگری پذیرد، «پس جان خود را به دریغ بر سر آنان منه، که خدا بدانچه می‌کند داناست» (کلام ۱۶۲).	PA183	جدیت در اجرای حق.
۲۹	بدانید که من با دو کس می‌ستیزم، آن که چیزی را خواهد که حق آن را ندارد و آن که حقی را که بر گردن اوست، نگزارد (خطبه‌ی ۱۷۳).	PA189	جدیت در اجرای حق.
۳۰	دریغ از برادرانم که قرآن را خواندند و در حفظ آن کوشیدند. واجب را بر پا کردند، پس از آنکه در آن اندیشیدند. سنت را زنده کردند و بدعت را میراندند. به جهاد خوانده شدند و پذیرفتند. به پیشوای خود اعتماد کردند و در پی او رفتند. [سپس به بانگ بلند گفت: جهاد! جهاد! بندگان خدا! من همین امروز، لشکر آماده می‌کنم. کسی که می‌خواهد به سوی خدا رود، بیرون شود (خطبه‌ی ۱۸۲)].	PA7	جهاد در راه حق.
۳۱	هان بدانید که شما رشته‌ی پیوند با اسلام را گسستید و حدود آن را شکستید و احکام آن را کار نبستید. بدانید که خدا مرا فرموده است با تجاوزکاران و پیمان‌گسلان و تبهکاران در زمین پیکار کنم؛ اما با پیمان‌گسلان جنگیدم و با از حق بیرون شدگان ستیزیدم و از دین بیرون شدگان را زبون ساختم (خطبه‌ی ۱۹۲).	PA55	جهاد در راه حق.

ردیف	گزاره	کد	مفهوم
۳۲	من از مردمی هستم که در راه خدا، از سرزنش ملامت‌کنندگان بازمی‌ایستند (خطبه‌ی ۱۹۲).	PA80	جلب رضایت حق تعالی.
۳۳	پس با دل بینا به راه افتید و نیت خویش را در جهاد با دشمن خود، راست بدانید که به خدایی که جز او خدایی نیست، من به راه حق می‌روم و آنان بر لغزشگاه باطل‌اند. می‌شنوید آنچه را می‌گویم (خطبه‌ی ۱۹۷).	PA70	جهاد در راه حق.
۳۴	به خدا سوگند! معاویه زیرک‌تر از من نیست؛ لیکن شیوه‌ی او پیمان‌شکنی و گنه‌کاری است. اگر پیمان‌شکنی ناخوشایند نمی‌نمود، زیرک‌تر از من کس نبود؛ اما هر پیمان‌شکنی به گناه برانگیزاند و هر چه به گناه برانگیزاند دل را تاریک گرداند (کلام ۲۰۰).	PA91	عدم پیمان‌شکنی برای رسیدن به هدف.
۳۵	خدا بیامرزد کسی را که حقی ببندد و یاری آن کند یا ستمی ببندد و آن را بازگرداند و خداوند حق را یاور بود تا حق را بدو برساند (کلام ۲۰۵).	PA83	یاری و احیای حق.
۳۶	لیکن خدا حق خود را بر بندگان، اطاعت خویش قرار داده و پاداش آنان را در طاعت، دوچندان یا بیشتر نهاده (خطبه‌ی ۲۱۶).	PA63	حق الهی بر بندگان.
۳۷	به خدا! اگر شب را روی اشتر خار مانم بیدار و از این سو بدان سویم کشند در طوق‌های آهنین گرفتار، خوشتر دارم تا روز رستاخیز بر خدا و رسول (ص) در آیم، بر یکی از بندگان ستمکار، یا اندک چیزی را گرفته باشم به ناسزاوار (کلام ۲۲۴).	PA95	پرهیز از ستم.
۳۸	این مال نه از آن من است و نه از آن تو. بلکه فیء است و از آن همه‌ی مسلمانان و برای به خدمت گرفتن شمشیر آنان. اگر تو در جنگ، با آنان یار باشی چون ایشان، از مال برخوردار باشی؛ وگرنه آنچه به دست آورند، نباید دیگران بخورند (کلام ۲۳۲).	PA36	امانت‌داری در درآمدهای عمومی.
۳۹	کاری که به عهده‌توست نان‌خورش تو نیست، بلکه بر گردنت امانتی است. آن‌که تو را بدان کار گمارده، نگاهیانی امانت را به عهده‌ات گذارده است. تو را نرسد که آنچه خواهی به رعیت فرمایی و بی‌دستوری به کار دشواری درآیی (نامه‌ی ۵).	PB12	نگاه امانت دارانه به کار و مسئولیت.
۴۰	و همانا من به خدا سوگند می‌خورم، سوگندی راست! اگر مرا خبر رسد که تو در فیء مسلمانان، اندک یا بسیار خیانت کرده‌ای، چنان بر تو سخت گیرم که اندک‌مال مانی و درمانده، به هزینه‌ی عیال و خوار و پریشان‌حال (نامه‌ی ۲۰).	PB32	برخورد جدی با خیانت در درآمدهای عمومی.

ردیف	گزاره	کد	مفهوم
۴۱	و تو را در این زکات، بهری معین است و حقی معلوم و روشن و شریکانی داری درویش و ناتوان و پریش. ما حق تو را به تمام می‌پردازیم؛ پس باید حقوق آنان را تمام به آنان برسانی وگرنه روز رستاخیز دارای بیشترین خصمانی (نامه‌ی ۲۶).	PB3	رعایت امانت در دادن حقوق مردم.
۴۲	با آنان فروتن باش و نرمخو و هموار و گشاده‌رو و به یک چشم بنگر به همگان؛ خواه به گوشه‌ی چشم نگری و خواه خیره شوی به آنان تا بزرگان در تو طمع ستم بر ناتوانان نبینند و ناتوانان از عدالت مأیوس نگردند (نامه‌ی ۲۷).	PB60	اجرای عدالت در مدیریت.
۴۳	برای حق، به هر دشواری هر جا بود، در شو (نامه‌ی ۳۱).	PB61	پایداری در مسیر حق.
۴۴	پسرکم! خود را میان خویش و دیگری میزانی بشمار؛ پس آنچه برای خود دوست می‌داری، برای جز خود دوست بدار و آنچه تو را خوش نیاید، برای او ناخوش بشمار و ستم مکن چنانکه دوست نداری بر تو ستم رود (نامه‌ی ۳۱).	PB19	میزان قرار دادن خویش برای نوع رفتار با دیگران.
۴۵	فراوانی مردم پیرامونم بر عزت من نیفزاید و پراکندگی آنان از گردم، مرا هراسان ننماید؛ و مپندار که پسر پدرت هرچند مردم او را رها کنند، خود را زار و فروتن نماید و نه سست به زیر بار ستم درآید و نه رام، مهار خود را به دست کشنده بگذارد و نه پشت خود را برای سواری هر که خواهد، خم دارد (نامه‌ی ۳۶).	PB21	پایداری در مسیر حق.
۴۶	پس از خدا بیم دار و مال‌های این مردم را باز سپار و اگر نکنی و خدا مرا یاری دهد تا بر تو دست‌یابم، کیفیت دهم که نزد خدا، عذرخواه من گردد و به شمشیریت بزنم که کس را بدان نزدم جز که به آتش در آمد. به خدا! اگر حسن و حسین چنان کردند که تو کردی، از من روی خوش ندیدندی و به آرزویی نرسیدندی تا آنکه حق را از آنان بستانم و باطلی را که به ستمشان پدید شده، نابود گردانم (نامه‌ی ۴۱).	PB201	اجرای عدالت در برابر نزدیکان.
۴۷	چه بود که در حجاز یا مامه، کسی حسرت گرده نانی برد، یا هرگز شکمی سپر نخورد و من سپر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی باشد از گرسنگی به پشت دوخته و جگرهایی سوخته (نامه‌ی ۴۵).	PB191	پرهیز از رفاه شخصی در هنگام سختی‌های دیگران.

ردیف	گزاره	کد	مفهوم
۴۸	بدانید حق شماست بر من که چیزی را از شما نپوشانم جز راز جنگ- که از پوشاندن آن ناگذارم- و کاری را جز- در حکم- شرع بی رأی زدن با شما انجام ندهم و حق شما را از موقع آن، به تأخیر نیفکنم و تا آن را نرسانم، وقفه‌ای در آن روا ندانم و همه‌ی شما را در حق برابر دانم و چون چنین کردم، نعمت دادن شما بر خداست و طاعت من بر عهده‌ی شماست و چون شما را خواندم، درنگ ندارید و در آنچه صلاح است، پای پس مگذارید و در سختی‌ها در شوید- و آن را آسان شمارید (نامه‌ی ۵۰).	PB200	حقوق متقابل حاکم و مردم.
۴۹	و آن کس را بر دیگران بگزین که سخن تلخ حق را به تو بیشتر گوید و در آنچه کنی یا گویی و خدا آن را از دوستانش ناپسند دارد- کمتر یاری‌ات کند (نامه‌ی ۵۳).	PB192	التزام به حق در امر مدیریت.
۵۰	نیز والی را نزدیکان است و خویشاوندان که خوی برتری جستن دارند و گردن‌فرازی کردن و در معاملت انصاف را کمتر به کار بستن. ریشه‌ی ستم اینان را با بریدن اسباب آن برآر و به هیچ‌یک از اطرافیان و خویشاوندانت زمینی را به بخشش وامگذار و مبادا در تو طمع کنند با بستن پیمانی که مجاور آنان را زیان رساند در بهره که از آب دارند یا کاری که باید باهم به انجام رسانند و رنج آن را بر عهده دیگران نهند؛ پس بر آنان تنها گوارا افتد و عیب آن در دنیا و آخرت بر تو ماند (نامه‌ی ۵۳).	PB1440	جلوگیری از سوءاستفاده‌ی نزدیکان در امور حکومت.
۵۱	پس حکومت خود را با ریختن خون ناروایی نیرومند مگردان؛ زیرا چنان کاری، نه‌تنها از عوامل ناتوان کردن و سست کردن قدرت که باعث نابودی و به دست دیگران افتادن هم می‌شود (نامه‌ی ۵۳).	PB202	پرهیز از خونریزی برای پیروزی.
۵۲	بی‌گمان هیچ‌یک از واجبات خدای پاک از هر کاستی نیست که مردم با همه‌ی پراکندگی خواسته‌هایشان و اختلاف‌نظرهایی که دارند، بیشتر از بزرگداشت وفای به پیمان‌ها بر سر آن اتفاق نظر داشته باشند. وفای به عهد را، گذشته از مسلمانان، مشرکان هم به علت دریافت پیامد بدخیم سرانجام‌های خیانت، پایبند بوده‌اند (نامه‌ی ۵۳).	PB193	تعهد به وفای به عهد مسلمانان و مشرکان.
۵۳	و اگر با دشمنت پیمانی نهادی و در ذمه‌ی خود او را امان دادی به عهد خویش وفا کن و آنچه را بر ذمه داری ادا کن و خود را چون سپری برابر پیمان‌ت بر پا ...؛ پس در آنچه به عهده گرفته‌ای، خیانت مکن و پیمانی را که بسته‌ای، مشکن و دشمنت را که- در پیمان توست- مفریب که جز نادان بدبخت بر خدا دلیری نکند (نامه‌ی ۵۳).	PB62	رعایت وفای به عهد نسبت به دشمن.

ردیف	گزاره	کد	مفهوم
۵۴	پس خود را از آنچه مانند آن را نمی‌پسندی، دور ساز (نامه‌ی ۵۹).	PB19	میزان قرار دادن خویش برای نوع رفتار با دیگران.
۵۵	اما بعد، چون والی را هواها گونه‌گون شود او را از بسیاری عدالت، باز دارد. پس باید کار مردم در آنچه حق است، نزد تو یکسان باشد، که ستم را با عدل عوض ندهند (نامه‌ی ۵۹).	PB54	عادل بودن حاکم.
۵۶	گاه آدمی به چیزی شاد می‌شود که از او نخواهد برید و به چیزی اندوهناک می‌شود که بدان نخواهد رسید؛ پس مبدا نیکوترین چیز که از دنیای خود برخورداری، رسیدن به لذت بود یا به کار بردن خشمی که در سینه داری، بلکه باید باطلی را بمیرانی یا حقی را زنده گردانی (نامه‌ی ۶۶).	PB36	یاری و احیا حق.
۵۷	من سخن آن کسی را که باطل گوید، بر خود هموار کردن نتوانم (نامه‌ی ۷۸).	PB76	مبارزه با باطل.
۵۸	فرمان خدا را بر پا ندارد جز کسی که - در حق - مدارا نکند و خود را خوار نسازد و پی طمع‌ها نتازد (حکمت ۱۱۰).	PC44	جدیت در اجرای حق.
۵۹	از آن هنگام که حق را به من نمودند، در آن دودل نگردیدم (حکمت ۱۸۴).	PC203	پایداری در مسیر حق
۶۰	دروغ نگفتم و دروغ نشنودم و گمراه نشدم و کسی را گمراه نمودم (حکمت ۱۸۵).	PC194	پرهیز از دروغ در امور مدیریت.
۶۱	کسی که به وسیله‌ی گناه پیروز شود، پیروز نیست و کسی که با شر و ستم چیره گردد، درواقع شکست خورده است (حکمت ۳۲۷).	PC61	پرهیز از ستم و گناه برای پیروزی.
۶۲	ایمان آن است که راستی را برگزینی که به زیان تو بود، بر دروغی که تو را سود دهد و گفتارت بر کردارت نیفزاید و چون از دیگری سخن گویی، ترس از خدا در دلت آید (حکمت ۴۵۸).	PC82	ترجیح صداقت بر دروغ با وجود ضرر.

جدول ۱. ظهور مفاهیم وظیفه‌گرایی اخلاقی مستخرج از نهج البلاغه.

۲-۳. استخراج مقوله‌های وظیفه‌گرایی از نهج البلاغه

پس از مشخص شدن «مفاهیم»، اقدام بعدی تشکیل «مقوله‌ها» است. بدین منظور، برخی مفاهیم دسته‌بندی شده‌اند که قرابت معنایی دارند و امکان گردآوری آنها تحت یک چتر معنایی وسیع‌تر وجود دارد

مقولات	مفاهیم	ردیف
قاعده‌ی زرین ^۱	انجام عمل پیش از توصیه به دیگران.	۱
	میزان قرار دادن خویش برای نوع رفتار با دیگران.	
	پرهیز از رفاه شخصی هنگام آگاهی از سختی‌های دیگران.	
پاسداشت پابندی به کیفیت استخدام وسیله ^۲	استفاده نکردن از ستم برای پیروزی.	۲
	عدم پیمان‌شکنی برای رسیدن به هدف.	
	جلوگیری از سوءاستفاده‌ی نزدیکان در امور حکومت.	
	پرهیز از خونریزی برای پیروزی.	
	به‌کار نرفتن ستم و گناه برای پیروزی.	
اصل عدالت ^۳	مبارزه‌ی جدی با تقسیم ناعادلانه‌ی بیت‌المال.	۳
	عدالت در تقسیم بیت‌المال.	
	اجرای عدالت در مدیریت.	
	جدیت برخورد با ستمگر.	
	پرهیز از ستم.	
	اجرای عدالت در برابر نزدیکان.	
	عادل بودن حاکم در اجرای امور.	

۱- بدین معنا که در انجام وظایف اخلاقی، شخص باید به‌گونه‌ای با دیگران رفتار کند که دوست دارد دیگران در شرایط مشابه، با او آن‌گونه رفتار کنند (کنسلر، ۱۳۸۷، ص ۱۹۳).

۲- این اصل بیان می‌کند که انسان برای رفتن به‌سوی هدف‌ها، راه‌هایی را برمی‌گزیند و امکانات و ابزارهایی را به کار می‌گیرد (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۷).

۳- عدالت در کلام امام علی ع در معانی ۱. انصاف، اَلْعَدْلُ الْإِنصَافُ (نهج-البلاغه، حکمت ۲۳۱): ۲. قرار دادن هر چیزی در جای خودش، اَلْعَدْلُ يَصْحُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا (همان، حکمت ۴۳۷): ۳. مساوات، فَلْيَكُنْ أَمْرُ النَّاسِ عِنْدَكَ فِي الْحَقِّ سَوَاءً فَإِنَّهُ لَيْسَ فِي الْجَوْرِ عَوَضٌ مِنَ الْعَدْلِ (همان، نامه‌ی ۵۹): ۴. رعایت حقوق، فَإِذَا أَذَتْ الرُّعْيَةَ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَ أَدَى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ وَ قَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ وَ اغْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ وَ جَرَتْ عَلَى أَدْلَالِهَا السُّنَنُ فَصَلَحَ بِدَلِكِ الزَّمَانِ وَ طَمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ وَ تَبَسَّطَ مَطَامِعُ الْأَعْدَاءِ (همان، خ ۲۱۶): ۵. اعتدال و میانه‌روی، عليك بالقصد في الأمور فمن عدل عن القصد جار و من أخذ به عدل (همیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۵۲) آمده است (به نقل از دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴، ص ۳۱-۳۷).

مفاهیم	مقولات	ردیف		
یاری و احیای حق.	اصل حق طلبی ^۱	۴		
جدیت در اجرای حق.				
جهاد در راه حق.				
جلب رضایت حق تعالی.				
پایداری در مسیر حق.				
ارزش ذاتی حق.				
حقوق متقابل حاکم و مردم.				
حق الهی بر بندگان.				
التزام به حق در مدیریت.				
ترجیح حق بر باطل.				
پرهیز از دروغ در امور مدیریت.	صداقت	۵		
پایبندی حاکم به صداقت در مدیریت.				
صدق عمل در دینداری و جنگ با دشمن.				
پرهیز از رذیله‌ی اخلاقی دروغ.				
ترجیح صداقت بر دروغ با وجود ضرر.				
بازدارندگی وفاداری از گزند و آسیب.			وفای به عهد	
پرهیز از وفای به عهد در سیاست دشمن.				
تعهد به وفای به عهد مسلمانان و مشرکان				
رعایت وفای به عهد نسبت به دشمن.			امانت‌داری	
امانت‌داری در درآمدهای عمومی.				
نگاه امانت‌دارانه به کار و مسئولیت.				
برخورد جدی با خیانت در درآمدهای عمومی.				
رعایت امانت در دادن حقوق مردم.				

جدول ۲. ظهور مقولات وظیفه‌گرایی اخلاقی مستخرج از نهج‌البلاغه.

۱- حق در کلام امام علی ع در معانی ۱. واقعیت و امر واقعی، وَ اللَّهُ الْجَدُّ لَا اللَّعِبُ وَ الْحَقُّ لَا الْكُذِبُ وَ مَا هُوَ إِلَّا الْمَوْتُ (نهج-البلاغه، خطبه‌ی ۱۳۲): ۲. حقیقت، در این معنا حق یعنی ادراک مطابق با واقع که حقیقت است. كَأَنَّ الْمَوْتَ فِيهَا عَلَى غَيْرِنَا كَيْتَبَ وَ كَأَنَّ الْحَقَّ فِيهَا عَلَى غَيْرِنَا وَجِبَ (همان، حکمت ۱۳۲): ۳. اجازه و اختیار، وَ لَكَ... حَقُّ الْمَسْأَلَةِ (همان، کلام ۱۶۲): ۴. استحقاق، عِبَادَ اللَّهِ أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا حَقُّ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ الْمُؤِجِبَةُ عَلَى اللَّهِ حَقِّكُمْ وَ أَنْ تَسْتَعِينُوا عَلَيْهِمَا بِاللَّهِ وَ تَسْتَعِينُوا بِهَا عَلَى اللَّهِ (همان، خطبه‌ی ۱۹۱): ۵. انتظار دو سویه و مطالبه، أَمَا يَخْدُ فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا بِوَلَايَةِ أَمْرِكُمْ وَ لَكُمْ عَلَيَّ مِنْ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذِي لِي عَلَيْكُمْ (همان، خطبه‌ی ۲۱۶) آمده است (به نقل از دلشاد تهرانی، ۱۳۹۱، ص ۵۶۵-۵۶۸).

۲-۲۰. قواعد مطلق اخلاقی، قواعدی هستند که تحت هر شرایطی، ثابت هستند و قابلیت تعمیم‌پذیری داشته و کاربردی عام دارد (کاپلستون، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۳۳۱).

۳-۳. استخراج مقوله‌ی اصلی

در این مرحله از پژوهش، از روابط میان مقوله‌های مستخرج از نهج‌البلاغه که عبارتند از توجه به قاعده‌ی زرین، پاسداشت پایبندی به کیفیت استخدام وسیله، اصل عدالت، اصل حق‌طلبی و قواعد مطلق اخلاقی، شرحی انتزاعی بر فرآیندی که در مقاله صورت گرفته است، ارائه می‌شود و مقوله‌ی محوری (دانایی‌فر و امامی، ۱۳۸۶، ص ۸۷) که شامل مضمون اصلی پژوهش است و کلیتی را تشکیل می‌دهد که سایر مقولات بر محور آن گرد می‌آید، به‌گونه‌ای اکتشافی از درون متن نهج‌البلاغه برآمده است (استراوس و کریبن، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸).

مقولات	مقوله‌ی اصلی	ردیف
قاعده‌ی زرین.	شاخص‌های وظیفه‌گرایی اخلاقی در مکتب اخلاقی امام علی ^(ع)	۱
شاخص‌های		
وظیفه‌گرایی اخلاقی		
در مکتب اخلاقی امام علی ^(ع)		
صداقت.		
وفای به عهد. امانت‌داری.		

جدول ۳. شاخص‌های وظیفه‌گرایی اخلاقی از دیدگاه نهج‌البلاغه.



شکل ۲. شاخص‌های وظیفه‌گرایی اخلاقی در مکتب اخلاقی امام علی(ع).

۴. نتیجه‌گیری و ارزیابی تأثیر توجه به شاخص‌های وظیفه‌گرایی اخلاقی در مکتب اخلاقی امام علی^(ع) در تربیت انسان

با بررسی‌های صورت گرفته در متن نهج‌البلاغه مشخص گردید که گزاره‌های متعددی بر وظیفه‌گرا بودن اخلاق نزد امام علی^(ع) دلالت دارند.

امام^(ع) در اهمیت توجه به قاعده‌ی زرین، خطاب به امام حسن^(ع) می‌فرماید:

پسرکم! خود را میان خویش و دیگری میزانی بشمار؛ پس آنچه برای خود دوست می‌داری، برای جز خود دوست بدار و آنچه تو را خوش نیاید، برای او ناخوش بشمار؛ و ستم مکن، چنانکه دوست نداری بر تو ستم رود و نیکی کن، چنانکه دوست می‌داری به تو نیکی کنند و آنچه از جز خود زشت می‌داری، برای خود زشت بدان و از مردم برای خود آن را بپسند که از خود می‌پسندی در حق آنان (نامه‌ی ۳۱).

در این سفارش، توجه به قاعده‌ی زرین، تأثیر بسزایی در تربیت انسان‌ها دارد و سبب می‌شود هر فرد، دیگران را چون خویشان ببیند و مصالح و منافع آنان را چون منافع خویش، محترم بشمارد و از آنچه برای خود پرهیز دارد، نسبت به دیگران نیز این‌گونه عمل کند. اهمیت این مسئله، از آن جهت آشکار می‌شود که انسان همیشه با خود همراه است، خود را دوست دارد و با اندک تأملی خواهد توانست منافع و مصالح خویش را در نظر آورد و آنگاه خود را میزان قرار دهد و بر آن اساس نسبت به دیگران رفتار کند (همت بناری، ۱۳۷۹، ص ۵۶۵).

از سویی، انجام وظیفه، در نگاه اخلاقی امام علی^(ع)، تنها با استفاده از وسایل و راه‌هایی تحقق می‌پذیرد که مطابق با حق و درستی است؛ زیرا نمی‌توان با استفاده از راه‌های نادرست، به حق و اهداف صحیح دست یافت. امام^(ع) در سخنی می‌فرماید: کسی که با شر و ستم چیره شود، درواقع شکست‌خورده است (حکمت ۳۲۷). ایشان، پس از به خلافت رسیدن، در مسیر انجام وظایفشان، هنگامی که دوستان خیراندیش از امام^(ع) تقاضا کردند که به خاطر سود بیشتر، انعطافی در سیاست خود پدید آورد و مسئله‌ی مساوات و برابری را مسکوت بگذارد، به هیچ‌وجه حاضر به این امر نشدند تا از این طریق، پایه‌های حکومت خویش را مستحکم کنند: مرا فرمان می‌دهید تا پیروزی را بجویم به ستم کردن درباره‌ی آن‌که والی اویم. به خدا! که نپذیرم تا جهان سر آید و ستاره‌ای در آسمان پی ستاره‌ای برآید (کلام ۱۲۶).

امام^(ع) هیچ‌گاه به خاطر منفعت و سودجویی، کاری را از راه باطل انجام ندادند. چنانکه می‌توانستند معاویه را برای حکمرانی بر شام موقتاً ابقا کند تا صفین پیش نیاید و یا با دادن وعده و وعید و اعطای منصب به طلحه و زبیر، جلوی آتش‌افروزی بصره و جنگ جمل را بگیرد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۳). امام^(ع) حاضر نبود حتی اگر جهان را به پای او بریزند، از ابزار و کارهای نادرستی چون تبعیض، باندسازی و رشوه استفاده کند و هدف و ایده‌اش مبارزه با این نوع سیاست‌بازی بود (فرشادفر، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱). ایشان هرگز اجازه ندادند حق و واقعیت، با این سودجویی‌ها از میان برود و بایستی این نکته را در نظر داشت که از این‌گونه مصلحت‌اندیشی‌ها،

نباید سیاست و عقل برداشت کرد، بلکه مکر و شیطنت است (منتظری، ۱۳۶۰، ص ۸۹).
در نتیجه، پاسداشت پایبندی به کیفیت استخدام وسیله، دومین شاخص وظیفه‌گرایی در مکتب اخلاقی امام^(ع) است و توجه به این امر در تربیت انسان‌ها، سبب سلامت جامعه و روابط میان انسان‌ها می‌شود.

وفای به عهد، از جمله قواعد مطلق اخلاقی در مکتب اخلاقی امام^(ع) است که به محض منعقد شدن، پاسداشت آن به‌طور مطلق لازم و واجب است:

و اگر با دشمنت پیمانی نهادی و در ذمه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفا کن و آنچه را بر ذمه داری ادا [کن]؛ و خود را چون سپری برابر پیمانت بر پا...؛ پس در آنچه به عهده گرفته‌ای، خیانت مکن و پیمانی را که بسته‌ای، مشکن و دشمنت را که- در پیمان توست- مفرب که جز نادان بدبخت بر خدا دلیری نکند؛ و خدا پیمان و زینهار خود را امانی قرار داده و از در رحمت به بندگان رعایت آن را بر عهده همگان نهاده و چون حریمی استوارش ساخته است تا در استواری آن بیارامند و رخت به پناه آن کشند؛ پس در پیمان، نه خیانتی توان کرد و نه فریبی داد و نه مگری پیش آورد و پیمانی مبند که آن را تأویلی توان کرد یا رخنه‌ای در آن پدید آورد و چون پیمان استوار شد و عهدت برقرار-راه خیانت مپوی- (نامه‌ی ۵۳).

در نتیجه، وفای به عهد، از جمله قواعد مطلق اخلاقی است که عمل به آن در هر شرایط لازم است. به استثنای موردی که یکی از طرفین، عهد و پیمان خویش را نقض کند که طرف مقابل نیز حق دارد نقض عهد خویش کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۶۱).

امانت‌داری، دیگر قاعده‌ی مطلق اخلاقی است. امام^(ع) در نامه‌ای به اشعث بن قیس، کارگزار آذربایجان، می‌فرماید: کاری که به عهده‌ی توست، نان خورش تو نیست، بلکه بر گردنت امانتی است. آن‌که تو را بدان کار گمارده، نگهبانی امانت را به عهده‌ات گذارده [است]. تو را نرسد که آنچه خواهی، به رعیت فرمایی و بی دستوری به کار دشواری درآیی. در دست تو مالی از مال‌های خداست عزوجل و تو آن را خزانه‌داری تا آن را به من بسپاری (نامه‌ی ۵).

صداقت، سومین قاعده‌ی مطلق اخلاقی در مکتب اخلاقی امام علی^(ع) است^۱. ایشان تحت تربیت رسول اکرم ص، جلوه‌ی تمام‌عیار صداقت و راست‌گویی هستند و در هیچ شرایطی، حاضر به گفتن سخنی خلاف حق و درستی نشدند: به خدا سوگند! کلمه‌ای از حق را نپوشاندم و دروغی بر زبان نراندم (کلام ۱۶). و در سخنی دیگر بیان می‌کنند: ایمان آن است که راستی را برگزینی که به زیان تو بود، بر دروغی که تو را سود دهد (حکمت ۴۵۸).

۱- این خصلت اخلاقی جزو قواعد مطلق اخلاقی آمده است و موارد خاصی از اخلاقیات که خارج از این حوزه قرار می‌گیرد؛ مانند حفظ جان و حفظ ناموس، از سوی اهل بیت مشخص شده‌اند و آزاد گذاشته نشده است؛ وگرنه «صداقت» دارای ویژگی اطلاق نبود (نک: سیره نبوی، جلد ۴، سیره خانوادگی، ص ۴۵۲-۴۵۸).

امام^(ع) در ماجرای شورای شش نفره می‌توانست شرط سوم ابن‌عوف^۱ را بنا بر یک دروغ مصلحتی بپذیرد و خود خلیفه مسلمین باشد؛ اما ایشان به‌هیچ‌وجه، حاضر به گفتن سخنی خلاف حق و حقیقت نشدند.

در نتیجه، با آگاهی از قواعد مطلق اخلاقی در مکتب اخلاقی امام علی^(ع) می‌توان در امر تربیت انسان‌ها، اصول اخلاقی لازم را شناسایی کرد.

توجه به اصل عدالت (در معانی انصاف، قرار دادن هر چیزی در جای خودش، مساوات، رعایت حقوق و اعتدال و میانه‌روی) شاخص چهارم وظیفه‌گرایی در اخلاق امام^(ع) است. ایشان پذیرش حکومت را وسیله‌ای برای برپایی عدالت معرفی کرده و به دنبال کسب سود، منافع مادی و رسیدن به قدرت نبوده‌اند: خدایا تو می‌دانی آنچه از ما رفت، نه به خاطر رغبت در قدرت بود و نه از دنیای ناچیز، زیادت خواستن. بلکه می‌خواستیم نشانه‌های دین را به جایی بنشانیم که بود و اصلاح را در شهرهایت ظاهر گردانیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات را ایمنی فراهم آید و حدود ضایع مانده‌ات اجرا گردد (کلام ۱۳۱).

عدالت برای علی^(ع)، در تمام امور مدیریتی، جایگاه والایی داشت تا جایی که در سفارشی خطاب به محمد بن ابی‌بکر در چگونگی برخورد با مردم می‌فرماید: با آنان فروتن باش و نرم‌خو و هموار و گشاده‌رو و به یک چشم بنگر به همگان؛ خواه به گوشه چشم نگری و خواه خیره شوی به آنان تا بزرگان در تو طمع ستم بر ناتوانان نبندند و ناتوانان از عدالتت مأیوس نگردند (نامه‌ی ۲۷).

امام علی^(ع) «عدالت» را نه تنها یک تکلیف و وظیفه‌ی الهی، بلکه یک ناموس الهی می‌داند و هرگز روا نمی‌شمارد که یک مسلمان آگاه به تعلیمات اسلامی، تماشاگر صحنه‌های تبعیض و بی‌عدالتی باشد (مطهری، بی‌تا، ص ۱۱۴).

اصل حق‌طلبی (در معانی واقعیت و امر واقعی، حقیقت، اجازه و اختیار، استحقاق و انتظار دوسویه و مطالبه) آخرین شاخص وظیفه‌گرایی در مکتب اخلاقی امام^(ع) است.

در نهج‌البلاغه، هرگاه سخن از وظیفه است، در مقابل آن حقی وجود دارد و در انجام وظایف بایستی به جد، بر اجرای این اصل پافشاری کرد: همانا، فاضل‌ترین مردم نزد خدا کسی است که کار حق را از باطل دوست‌تر دارد، هرچند کار حق از قدر او بکاهد و او را بیازارد و باطل بدو سود رساند و رتبت او را بالاتر گرداند (کلام ۱۲۵).

در مکتب اخلاقی امام^(ع)، حق، ارزشی ذاتی و نه ابزاری دارد و امام علی^(ع) هیچ‌گاه از آن به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به منافع مادی استفاده نکردند. چنانکه از ابن‌عباس در نهج‌البلاغه نقل شده است: در «ذوقار» نزد امیرالمؤمنین^(ع) رستم و او نعلین خود را پینه می‌زد. ایشان از من

۱- عبدالرحمان بن‌عوف، در جریان انتخاب خلیفه‌ی سوم، خطاب به علی علیه‌السلام گفت: من با تو بیعت می‌کنم به اجرای احکام کتاب خدا و سنت رسول خدا و رعایت سیرت آن دو شیخ، یعنی ابوبکر و عمر. علی^(ع) گفت: بر کتاب خدا و سنت رسول خدا و آنچه اجتهاد رأی خودم باشد. آنگاه، عبدالرحمان از علی^(ع) روی برگرداند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۲۷۵، ج ۱، ص ۸۵).

پرسید: بهای این نعلین چند است؟ گفتم: بهایی ندارد، فرمود: به خدا! این را از حکومت شما دوست تر دارم؛ مگر آنکه حقی را بر پا سازم یا باطلی را براندازم (خطبه‌ی ۳۳).
ایشان، در سفارش به مالک اشتر، اصل حق‌طلبی را مبنایی اخلاقی برای انجام امور معرفی می‌نمایند: و باید از کارها آن را بیشتر دوست بداری که نه از حق بگذرد و نه فروماند (نامه‌ی ۵۳).
درنتیجه، توجه به دو اصل عدالت و حق‌طلبی در تربیت انسان‌ها، علاوه بر اینکه منجر به انجام وظایف انسان‌ها در مقابل خداوند، خود و دیگر انسان‌ها می‌شود، زمینه‌ساز بستری مناسب برای تأمین سلامت روحی افراد و رشد جوامع انسانی به‌سوی تکامل است.

منابع

- ابن‌ابی‌الحدید، عزالدین ابوحامد؛ جلوه تاریخ در شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید؛ ترجمه‌ی محمود مهدوی دامغانی؛ تهران، نی، ۱۳۷۵ ش.
- ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم؛ لسان‌العرب؛ بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
- ادواردز، پل؛ بوچرت، دونالد ام؛ دانش‌نامه‌ی فلسفه اخلاق؛ ترجمه‌ی انشاءالله رحمتی؛ مقاله نظریات مبتنی بر امر الهی درباره اخلاق نوشته‌ی فیلیپ. ال. کوئین؛ تهران، سوفیا، ۱۳۹۲ ش.
- استراوس، انسلم و جولیت کریین؛ مبانی پژوهش کیفی؛ ترجمه‌ی ابراهیم افشار؛ تهران، نی، ۱۳۹۴ ش.
- افلاطون؛ دوره آثار افلاطون؛ ترجمه‌ی محمدحسن لطفی و رضا کاویانی؛ ج ۲، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۵ ش.
- قیمی آمدی، عبدالواحدبن‌محمد؛ شرح غررالحکم و دررالکلم؛ جمال‌الدین محمد خوانساری؛ مصحح میرجلال‌الدین حسینی ارموی‌محدث؛ تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.
- جیکوبز، جان‌اتان. آ؛ فرهنگ اصطلاحات فلسفه اخلاق؛ ترجمه‌ی سید محمدعلی تقوی و زهره علوی؛ تهران، جباری، ۱۳۹۶ ش.
- دانایی‌فرد، حسن؛ «تئوری‌پردازی با استفاده از رویکرد استقرائی، استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی»؛ شماره‌ی ۱۱، دانش‌ور رفتار، ۱۳۸۴ ش.
- دانایی‌فرد، حسن و سید مجتبی امامی؛ «استراتژی‌های پژوهش کیفی، تأملی بر نظریه‌پردازی داده بنیاد»؛ اندیشه مدیریت، شماره‌ی ۲، ۱۳۸۶ ش.
- دلشاد تهرانی، مصطفی؛ ماه مهرپرور، تربیت در نهج‌البلاغه؛ تهران، دریا، ۱۳۷۹ ش.
- _____؛ جمال دولت محمود؛ تهران، دریا، ۱۳۸۲ ش.
- _____؛ رخساره خورشید؛ تهران، دریا، ۱۳۹۱ ش.
- _____؛ سیره نبوی، دفتر چهارم، سیره خانوادگی؛ تهران، دریا، ۱۳۸۸ ش.
- _____؛ جزوه‌ی دکتری-الکترونیکی دانش‌های ورودی نهج‌البلاغه؛ ۱۳۹۱ ش.
- _____؛ «مفهوم‌شناسی عدالت به‌منزله راهبرد عدالت با نگاه به جایگاه آن در آموزه‌های امام علی^(ع) با تکیه بر نهج‌البلاغه»؛ آموزه‌های نهج‌البلاغه، دانشگاه پیام نور، شماره‌ی ۱، ۱۳۹۴ ش.
- دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه؛ تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ژکس؛ فلسفه اخلاق (حکمت عملی)؛ ترجمه‌ی ابوالقاسم فنایی؛ قم، امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.
- سبحانی، جعفر؛ الرسالة فی التحسین و التقبیح العقلیین؛ قم، الاعتماد، ۱۴۲۰ ق.
- سید رضی؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه‌ی دکتر سید جعفر شهیدی؛ بر اساس نسخه دکتر صبحی صالح؛ ۱۳۸۰ ش.
- طباطبایی، محمدحسین؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه‌ی سید محمدباقر موسوی همدانی؛ قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
- فرانکنا، ویلیام؛ فلسفه اخلاق؛ ترجمه‌ی هادی صادقی؛ قم، کتاب‌طه، ۱۳۹۲ ش.
- فروغی، محمدعلی؛ سیر حکمت در اروپا؛ تصحیح امیر جلال‌الدین اعلم؛ تهران، البرز، ۱۳۷۵ ش.

- فرشادفر، عزت‌اله؛ عدالت در نهج‌البلاغه؛ کرمانشاه، دانشگاه رازی، ۱۳۸۶ ش.
- قرشی، علی‌اکبر؛ مفردات نهج‌البلاغه؛ مصحح محمدحسن بکائی؛ تهران، قبله، ۱۳۷۷ ش.
- کاپلستون، فردریک؛ تاریخ فلسفه (ازولف تا کانت ج ۶)؛ تهران، علمی فرهنگی و سروش، ۱۳۸۰ ش.
- کانت، ایمانوئل؛ بنیاد مابعدالطبیعه؛ ترجمه‌ی حمید عنایت و علی قیصری؛ تهران، خوارزمی، ۱۳۶۹ ش.
- گنسلر، هری. جی؛ درآمدی جدید به فلسفه اخلاق؛ برگردان حمیده بحرینی؛ ویراستار مصطفی ملکیان؛ تهران، آسمان خیال، ۱۳۸۷ ش.
- لارنس، سی بکر؛ فلسفه اخلاق؛ مجموعه مقالات برگرفته از دائره‌المعارف فلسفه اخلاق، مقاله‌ی سود گروی؛ ترجمه‌ی امیر خوا؛ قم، موسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی. ۱۳۸۰ ش.
- مصباح یزدی، محمدتقی؛ نقد و بررسی مکاتب اخلاقی؛ قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۷ ش.
- مطهری، مرتضی؛ سیری در نهج‌البلاغه؛ تهران، صدرا، بی‌تا.
- معین، محمد؛ فرهنگ فارسی؛ تهران، سرایش، ۱۳۸۲ ش.
- منتظری، حسینعلی؛ درس‌هایی از نهج‌البلاغه؛ بی‌جا، حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۰ ش.
- همت بناری، علی؛ «بررسی اولویت‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام علی (ع) در نهج‌البلاغه»؛ مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلام، شماره‌ی ۴، ۱۳۷۹ ش.
- هولمز، رابرت ال؛ مبانی فلسفه اخلاق؛ ترجمه‌ی مسعود علیا؛ تهران، ققنوس، ۱۳۸۵ ش.